

انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه

تحولات ایران و آسیای میانه

نوشته

دکتر گلناز سعیدی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۴

سعیدی، گلناز
انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه (تحولات ایران و آسیای میانه) / نوشته گلناز سعیدی. - تهران :
امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲۴۸ ص.

ISBN 964-00-0969-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۲۳۹ - ۲۴۷ همچنین به صورت زیر نویس.
چاپ اول: ۱۳۸۴
۱. ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. - تأثیر. ۲. روسیه - تاریخ - انقلاب،
۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ م. ۳. حزبهای سیاسی - ایران - تاریخ. ۴. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ -
۱۳۴۴ ق. - مطبوعات، الف. عنوان.
۸ الف ۷ ص ۱۴۰۷ DSR
۹۵۵/۰۷۵
ف س / ۷۵۶ س.
م ۸۳-۳۴۹۶۵
کتابخانه ملی ایران



انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه (تحولات ایران و آسیای میانه)

نوشته: دکتر گلناز سعیدی

چاپ اول: ۱۳۸۴

چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۰۰-۰۹۶۹-۵ ISBN 964-00-0969-5

مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران، میدان استقلال.

WWW.AMIR-KABIR.COM

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۲۱	فصل اول - نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵
۲۶	تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه، از زبان ناظم الاسلام کرمانی
۳۱	شکل‌گیری انجمنهای سری و احزاب سیاسی در ایران تحت تأثیر کانونهای حزبی قفقاز
۳۸	وضعیت باکو در آستانه انقلاب ۱۹۰۵
۴۲	وضعیت فرهنگی ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷
۵۵	فصل دوم - شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران
۶۲	انجمنهای مخفی در عصر مشروطه
۷۲	احزاب عامیون، اعتدالیون که تحت نفوذ احزاب سوسیال‌دموکرات قفقاز قرار داشتند
۸۳	فصل سوم - چگونگی شکل‌گیری احزاب میاسی در روسیه
۸۹	فصل چهارم - قرارداد ۱۹۰۷ م. و تقسیم خاک ایران
۹۸	وضعیت ژاپن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم - زمینه‌های بروز جنگ ژاپن و روسیه
۱۰۱	قرارداد ۱۹۰۲ بین ژاپن و انگلستان
۱۰۳	جنگ ۱۹۰۴ روسیه و ژاپن
۱۱۳	فصل پنجم - چگونگی سانسور مطبوعات در ایران (۱۹۰۵ - ۱۹۰۷)

۱۲۶	پیدایش پرولتاریای صنعتی
۱۳۸	انقلاب ۱۹۰۵
۱۴۸	دیدگاه تروتسکی و لنین در انقلاب ۱۹۰۵
۱۵۹	فصل ششم - چگونگی تشکیل حزب کمونیست در ایران
۱۶۱	تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ بر انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶ - ۱۹۱۱)
۱۸۱	تشکیل دولت در آسیای میانه
۱۸۵	وضعیت آسیای میانه و قزاقستان در آستانه انقلاب (۱۹۰۵ - ۱۹۰۷)
۱۹۹	فصل هفتم - تاجیکستان در دوران انقلاب (۱۹۰۵ - ۱۹۰۷)
۲۰۸	ترکستان در آستانه انقلاب (۱۹۰۵ - ۱۹۰۷)
۲۳۱	نتیجه گیری
۲۳۵	فهرست منابع

پیشگفتار

تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بر آسیای میانه و ایران عنوان موضوع پژوهش و رساله دکتری اینجانب است که در شورای علمی انستیتو تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان وابسته به آکادمی علوم روسیه (NAOK) در مورخه ۲۹ فوریه سال ۲۰۰۰ میلادی به تصویب اعضای محترم شورای علمی رسید. علت انتخاب کشور جمهوری تاجیکستان برای اخذ مدرک دکتری و ادامه تحصیل و کار پژوهشی ام این بود که از سالها پیش حس کنجکاوی شدیدی در من ایجاد شده بود تا برای به دست آوردن اسناد و مدارک، اولاً نقش روسیه را در روند تحولات سیاسی - اجتماعی کشورم بیابم و ثانیاً انقلاب ۱۹۰۵ روسیه (انقلاب اول) و نقش محافل سیاسی حزبی قفقاز را در انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ ایران مورد بررسی قرار دهم.

پس از مشورت با تعدادی از استادان علم تاریخ به اتفاق، استادان محترم کشوردوست و هم‌فرهنگ و هم‌زبان آسیای میانه و بویژه آکادمی علوم تاجیکستان را معرفی نمودند. شایان ذکر است که آکادمی علوم، تنها دانشگاهی است که پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، همچنان سیستم دانشگاهی خود را وابسته به مسکو و روسیه حفظ نموده و در این خصوص مسئولان آکادمی تأکید زیادی دارند که از نظر علمی این وابستگی و پیوستگی باقی بماند. نهایتاً وسایل سفر را مهیا نموده و در ژانویه سال ۲۰۰۰ به شهر دوشنبه^۱ پایتخت آن کشور

۱. دوشنبه نام شهری است که اکنون پایتخت جمهوری تاجیکستان می‌باشد. این شهر دارای قدمت تاریخی بوده که در گذشته به استالین‌گرا د موسوم بوده است.

عزیمت نمودم.

به پیشنهاد استاد راهنما که از طرف آکادمی تعیین شده بود موضوع پژوهش خود را انتخاب کردم. در این انتخاب سعی نمودم مطالبی را برگزینم که از یک سو با روسیه، که نقش بسیار مهمی در جریانات سیاسی - اجتماعی ایران داشت، ارتباط داشته باشد و از سوی دیگر به مسائل و جریانات ایران نیز مرتبط باشد. با توجه به اینکه دو انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و ۱۹۰۶ ایران، هم از نظر زمانی و هم محتوایی تأثیر و تشابه بسیاری با یکدیگر داشتند، این عنوان انگیزه بیشتری را برایم ایجاد نمود. خوشبختانه موضوع رساله مورد استقبال اساتید دانشکده تاریخ، بویژه ریاست دانشکده تاریخ، مردم شناسی و باستان شناسی آکادمی قرار گرفت.

از جهت دیگر، با توجه به اینکه کشور جمهوری تاجیکستان یک کشور تازه استقلال یافته بود و در زمینه زبان، فرهنگ، دین و تاریخ با کشور ما ایران تشابه و نزدیکی دارد، انگیزه و علاقه‌ام را برای مطالعه بر روی تحولات سیاسی و اجتماعی قفقاز، ایران و در نهایت آسیای مرکزی افزایش داد.

پس از ثبت نام در آکادمی علوم و پذیرفته شدن در مصاحبه و آزمون ورودی (زبان انگلیسی) بلافاصله کار نسخه برداری از اسناد و جمع آوری اطلاعات را از بزرگترین و قدیمی ترین کتابخانه آسیای میانه یعنی کتابخانه فردوسی شهر دوشنبه آغاز نمودم. کار جمع آوری اطلاعات به دو شکل انجام گرفت. ابتدا از منابع فارسی بهره برداری نمودم و گاهی در صورت لزوم نیز عکسبرداری می کردم، سپس منابع روسی و تاجیکی را با هدایت و راهنمایی استاد راهبر مورد بررسی قرار دادم. در این مسیر با آشنایی مختصر بنده به زبان روسی و حروف سربلیک (خط تاجیکی) مطالب را گزینش و آنگاه برای ترجمه به مترجم روسی و تاجیکی سپردم.

سپس با کمک استاد راهنمایم، طرح تحقیقی که حاوی فهرست مطالب پیش فرض بود و همچنین نقشه و شکل کار را تهیه و تدارک نموده و پس از تصویب طرح پیشنهادی، از جناب ریاست دانشکده، فعالیت جدی خود را آغاز کردم. در بازگشت به ایران از منابع زیادی که در کشور موجود بود بهره برداری نمودم. نخستین مرکزی را که در ایران برای تهیه مطلب در نظر گرفتم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه بود که اسناد و مدارک ارزشمندی را در اختیار من گذاشتند.

چندین ماه متوالی به کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مراجعه کرده و تقریباً

همه منابع مربوط به قبل از انقلاب ۱۹۰۶ (مشروطیت) و پس از آن را مورد بررسی قرار دادم، مجموعه گرانبهای از نشریات و مجلات آن دوره را تورق نمودم و مطالب مربوط به موضوع تحقیق را در لابه لای آنها یافتم. متأسفانه اجازه عکسبرداری داده نشد و ناچار بودم بعضی از روزنامه‌ها مثل جبل‌المتین و افغنم تبریز را با قیمت گزافی از یکی از آشنایان خریداری نمایم (نسخه دست‌نویس). چند هفته‌ای نیز به کتابخانه وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی رفتم و منابع آنجا را مورد بهره‌برداری قرار دادم و به کتابخانه دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی نیز مراجعه کردم ولی منابع آنها تقریباً تکراری بودند. در پایان تحقیق خود در تهران چندین نشست با اساتید دانشگاه‌های مختلف داشتم و در خصوص نگارش پژوهش حاضر، راهنمایی‌هایی دریافت نمودم.

دومین کتابخانه مورد تحقیق و بررسی بنده در کشور تاجیکستان، کتابخانه شهر خجند^۱ بود، منابع و کتابخانه شهر پنجکنت^۲ نیز قابل توجه بود.

در مدت سه هفته‌ای که در مشهد مقدس اقامت داشتم از کتابخانه آستان قدس رضوی بهره‌برداری نمودم و با چند تن از مدرسان تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان که به منظور شرکت در یک سمینار علمی به مشهد آمده بودند پیرامون موضوع مورد تحقیق بحث و گفت‌وگو و راهنمایی لازم را دریافت کردم.^۳

در یکی از سفرهایم به تاجیکستان به توصیه رابین فرهنگی ایران به مؤسسه شرق‌شناسی شهر دوشنبه مراجعه نموده و بخشی از منابع مورد استفاده را عکسبرداری کردم. شایان توجه است که مؤسسه شرق‌شناسی تاجیکستان یکی از مهمترین مؤسسات آسیای مرکزی است که متأسفانه پس از استقلال این کشور و شروع جنگ‌های داخلی بسیاری از منابع ارزشمند و نسخ خطی آن به یغما رفته است.

در خاتمه بجاست که از سفیر محترم ایران و دیپلمات‌های سفارتخانه که در شروع کار تحقیقی و ایجاد امکانات پژوهش و ایجاد تسهیلات ادامه تحصیل در شهر دوشنبه و کشور

۱. یکی از زیباترین و قدیمی‌ترین شهرهای تاجیکستان است که در شمال این کشور واقع شده است، که در گذشته این شهر به لنین‌گرا شهرت داشت.

۲. یکی از شهرهای باستانی است و آرامگاه ابو عبدالله رودکی در قریه پنجرود این شهر واقع شده است.

۳. شایان ذکر است که برای سفر به شهر دوشنبه و تاجیکستان پرواز هواپیما تنها از طریق شهر مشهد انجام می‌شد و اقامت در این شهر از توفیقات اجباری بود.

تاجیکستان مرا یاری و مدد رساندند سپاسگزاری نمایم.
امید است تلاشهای انجام شده مورد پذیرش و تأیید استادان محترم و دانش‌پژوهان
کشوردوست و هم‌فرهنگ و هم‌زبان تاجیکستان و کشور عزیزم ایران قرار گیرد.

گلناز سعیدی

زمستان سال ۱۳۷۹ ش. / ۲۰۰۱ م.

www.ketab.ir

مقدمه

انقلاب سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روسیه نخستین انقلاب متأثر از اهداف انقلاب کبیر فرانسه بود. این انقلاب هرچند ناموفق بود، اما در تحولات و پیشرفت آینده روسیه تأثیر بسزایی داشت. عده زیادی از مردم را به خلاقیت آگاهانه انقلابی برانگیخت و آنان را به تجربه سیاسی بزرگی مجهز ساخت.

انقلاب ۱۹۰۵ این امر را خاطرنشان ساخت، که تنها مبارزه مردم ستمدیده می تواند سلطنت پوسیده تزاری را براندازد.

انقلاب چهره تمام طبقات و احزاب را در عمل نشان داد و تمایلات، نقش و اهمیت آنان را در کشور آشکار ساخت. انقلاب، آشکارا ثابت نمود که وحدت و نقش مردم مهمترین شرط پیروزی است. محافل سیاسی و آکادمیک روسیه اعتقاد دارند که پرولتاریا برای نخستین بار به عنوان پیشوا و سرکرده انقلاب بورژوا - دموکرات در صحنه تاریخ ظاهر شد و رهبری گروههای مردم را از دست بورژوازی لیبرال درآورد. انقلاب اول روسیه که در تاریخ دیپلماسی جهان به انقلاب تروتسکی شهرت دارد، شکلهای نوینی از مبارزه را پدید آورد که در انقلابهای گذشته بی سابقه بود زیرا برای نخستین بار حرکت سیاسی مردمی به منظور تبدیل آن به مبارزه مسلحانه در این انقلاب به کار بسته شد. شوراهای نمایندگان کارگری که در جریان انقلاب به وجود آمدند، نه تنها ارگان قیام مسلحانه، بلکه همچنان شکل جنینی دیکتاتوری انقلابی -

دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان بودند، کارگران و دهقانان اکراین، بلو روسی، لهستان، نواحی سواحل بالتیک، ماورای قفقاز، آسیای میانه (بخارا، خیوه، خوقند)^۱ و سایر مناطق روسیه در تمام مدت انقلاب، دوش به دوش کارگران و دهقانان روس برضد تزارسم و زمینداران مبارزه می کردند. جنبشهای پی در پی انقلابی در روسیه تزاری، به نهضت اجتماعی و سیاسی توده های مسلمان مشرق زمین کمکهای شایانی نمود.

انقلاب اول روسیه در ایران نیز تأثیر عظیمی به جا گذاشت، در میان حوادث شگرف تاریخی ملت ایران، جنبش مشروطیت در سال ۱۹۰۶ جایگاه برجسته ای دارد! این انقلاب حق دارد به مثابه نقطه تحول واقعی در حیات ملت ایران تلقی گردد، زیرا در جریان این انقلاب، ملت ما بر استبداد قرون وسطایی خودکامگان فایق آمد.

مردم قیام می کنند و با دشمنان داخلی و خارجی مبارزه می کنند، قربانی می دهند و پیش می روند. ولی به علت عدم آگاهی به سیر تحولات بین المللی، نداشتن تشکیلات رهبری کننده، فراموش کردن سنن انقلابی و در نهایت، خیانت گروهی به روحانیان، رشته نهضت را در دست گرفتند، و انقلاب از جاده و مسیر اصلی خود منحرف و سردرگم شده و نتایج لازم را به دست نیاورد.

انقلاب مشروطیت ایران از لحاظ ماهیت یک انقلاب بورژوازی، مثبت، همراه با علایق دینی بوده و در صورت پیروزی و تحکیم آن نمی توانست غیر از آزادیهای بورژوازی خبری برای ملت به ارمغان آورد. در سده نوزدهم، رشد شهرها و افزایش کارگاهها و کارخانه ها را همراه با تمرکز بزرگ نیزوی کارگری می بینیم، تجارتخانه ها و شرکتهای بازرگانی پدید می آیند، نیروهای تازه اجتماعی نیز آشکار می شوند. لایه های نوخاسته شهرها، بدیدآوردگان اساسی آرمانهای روشنگری و ایدئولوژی ناسیونالیسم، بورژوازی می شوند و از نیمه دوم سده نوزدهم بود که روحانیت شهرها، با تلاشی بیشتر در مبارزه سیاسی مداخله کرد و کوشید ایدئولوگهای برخی نهضت های مردمی باشد. شورش با بیان نهضت برضد انحصار تنباکو و سرانجام انقلاب بورژوازی ایران بزرگترین نهضت های مردمی ملت ایران در اعتراض به اسارت ایران به دست کشورهای

۱. خوقند شهری بود که در تسلط خانی گری بوده، این شهر در فرغانه واقع شده بود که در حال حاضر در بخش جنوب شرقی ازبکستان واقع شده است. خانی گری یک اصطلاح تاجیکی است که به کلیه قدرتهای تحت سیطره روسیه اطلاق شده است.

سرمایه‌داری اروپا، بهره‌کشی فئودالی و ستم و زورگویی خاندان شاهی بود. انقلاب سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ روس، به اعتلای نهضت انقلابی در ایران در سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ (انقلاب مشروطیت) کمک شایانی نمود. انقلاب سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ دارای ویژگیهای ضد زمینداری، ضد استعماری، ضد استبدادی، برضد خودکامگی و فرمانروایی انحصارهای بیگانه بود.

دهقانان، بورژوازی خرد و میان‌حال شهرها و نیز طبقه کارگر که در آن هنگام شکل یافته بود، نیروی محرکه این انقلاب، و ملاکان ایران و بورژوازی بزرگ، سرکرده آن بودند و در نهایت روحانیان در هدایت انقلابی مردم نقش بسزایی داشتند. در پی رخدادهای انقلابی بود که در سال ۱۹۰۶ مجلس در کشور پدید آمد و در آن قانون اساسی که قدرت شاه را محدود می‌کرد تصویب و برخی اصلاحات اعلام شد.

اما این انقلاب دگرگونی‌هایی نمایان در ساخت اجتماعی - اقتصادی ایران پدید نیاورد؛ مسئله زمین را که برای دهقانان کشور مهمتر از هر چیز بود، حل نکرد و می‌توان گفت که مناسبات زمینداری را همچنان از تعرض مصون نگاه داشت. با این همه، این انقلاب نشانی ژرف در زندگی مردم بر جای گذاشت، آگاهی سیاسی جامعه را بیدار کرد و آنان را به مبارزه برضد خودکامگی زمینداران و امپریالیست‌های بیگانه برانگیخت که در کشور فعال‌مایه‌ها بودند. مجلس، پس از سرکوبی انقلاب نیز، به کار خود ادامه داد.

اما، حکومتی که در پی نهضت مشروطه‌خواهی پدید آمده بود، توان آن را نداشت که به انجام اصلاحات اجتماعی - سیاسی ادامه دهد و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی را از میان بردارد. سرمایه‌داری بیگانه با پشتیبانی از دودمان فرمانروای قاجار که تکیه‌گاه فئودالیسم بود، به نگاه‌داری نظام فئودالی در ایران یاری می‌رساند. در حقیقت، انقلاب روسیه در زندگی مردم آسیا همان نقشی را بازی کرد که انقلاب کبیر فرانسه در زندگی کشورهای اروپایی داشت، و مطبوعات داخلی و خارجی نقش سرنوشت‌سازی در آگاهی مردم ایفا نمودند.

در همه‌جا نمایش علیه شاه و اطرافیانش برپا بود. در تمام کشور شعار «زنده باد مشروطه» به گوش می‌رسید؛ و در این اعتصابات، عموم روحانیان پایتخت شرکت داشتند.

اردوی مشروطه‌خواهان از سه عنصر تشکیل شده بود: ۱. انقلابیان قفقاز؛ ۲. فداییان ایرانی که از رشت و قزوین و نقاط شمالی ایران جمع شده بودند؛ ۳. کوهستانیهای جنوب ایران (بختیاری‌ها)، و ارتجاع روس و انگلیس چشم دیدن انقلابیان ایرانی را نداشتند. در سالهای

۱۹۰۵، ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ انقلابیان قفقاز نقش عمده‌ای در ایران بازی کرده‌اند. آنان پس از بمباران مجلس به دست لیاخوف به ایران آمده و در برابر اتحاد شاه ایران با تزار روس، جبهه متحد قفقاز و ایرانی را تشکیل داده‌اند. سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز در دفاع تبریز، تصرف تهران و در تمام حوادث بعدی انقلاب ایران، نقش حقیقتاً مؤثر و بزرگی بازی کرده‌اند.

روزنامه شرق چاپ تهران، در پاسخ به این سؤال که در مبارزه علیه تجاوزات روس و انگلیس در ایران چه کسانی می‌توانند به کمک ایران بشتابند؟ چنین می‌نویسد: (۱۸ ژوئن سال ۱۹۱۰) «متفق جدی ایران مظلوم، ملت قهرمانی است که در راه آزادی، قربانیان بی‌شماری داده است. اگر رنجبران روسیه بتوانند شرایط بهتری برای زندگی خود تأمین کنند، نه تنها در ایران، بلکه در افغانستان، تبت، چین و هندوستان نیز بر پیکر ارتجاع ضربت مهلکی وارد خواهد آمد.» حرکتی در زندگی آرام و خاموش ایران پیش آمد. استبداد پادشاهان، خیانت و بی‌عرضگی خانها و شاهزادگان قاجار، ایران را که روزی مقام شایسته‌ای در جهان داشت، به پرتگاه نیستی نزدیک کرد. تقسیم کشور به مناطق نفوذ خانها و ملاکان بزرگ، مانع رشد و توسعه محصولات شد و بازرگانی به دست بیگانگان افتاده بود. سرمایه خارجی به گونه‌ای ایران را غارت کرد که اهالی به دو دسته جدا از هم، خان، ملاک، جاهل، فاسد و اردوی بزرگ مردم فقیر گرسنه و تحت فشار تبدیل شد.

در سال ۱۹۰۶، مظفرالدین‌شاه، چون امپراتور روس دست و پای خود را گم کرد و به «اعطای» مشروطیت مبادرت ورزید.

همراه با فرمانروایی مجدد ارتجاع در روسیه، مظفرالدین‌شاه درگذشت و شاه جوان (محمدعلی) به کمک لیاخوف علیه مشروطه قد علم کرد، ولی شور و هیجان مردم از بین نرفته، جلسات مجلس در سال ۱۹۰۷ به طور مرتب تشکیل شد.

تبریز برای خود انقلابیان بنامی داشت: قریب حسین (باغبان)، ستارخان (دلال اسب) و باقرخان (سنگتراش) نمایندگان متواری مجلس تخریب شده و اعضای تشکیلات انقلابی ایران به استانبول و قفقاز روی آوردند. کمیته مرکزی انقلاب ایران در شهر استانبول تشکیل شد، انقلابیان مخصوصاً سوسیال‌دموکرات‌ها به مردم ایران کمکهای جدی نمودند و حوادث ایران را با کمال دقت تحت مراقبت گرفته و گروه امدادی برای یاری انقلابیان تبریز تشکیل دادند.

کمک انقلابیان قفقازی روح تازه‌ای در کالبد آزادیخواهان ایران دمید، اولین دسته

سوسیال‌دموکرات‌ها از تفلیس با راه‌آهن به جلفا واقع در مرز ایران اعزام شده و با احتیاط کامل از ارس عبور کردند. با آنکه عبور از این منطقه بشدت تحت نفوذ جاسوسان تزاری بود و کاری فوق‌العاده مشکل بود، ولی در نهایت این گروه خود را به تبریز رسانده و زیر پرچم ستارخان به عملیات قهرمانانه‌ای پرداختند. در آن دوران، با آنکه ایرانیان خبری از مواد منفجره نداشتند، ولی به کارگیری این مواد و حتی بمب را تجربه کردند. حیدرخان عمواغلی از همان مهاجران قفقاز بود که فن بمب‌سازی را در میان ایرانیان متداول کرد.

انقلابیان، مخصوصاً مسلمانان از نقاط مختلف قفقاز به سمت تبریز روانه می‌شدند. آنها کاملاً مجهز و مسلح بودند. سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز در تبریز یک آزمایشگاه تهیه بمب تأسیس کردند. کمیته مرکزی انقلاب ایران و سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز، نمایندگان تشکیلاتی به دهات فرستادند.

فرقه دانشاکنون (فرقه ناسیونالیست بورژوازی ارامنه) با تمایلات سوسیالیستی، در اوایل از شرکت در حرکت‌های انقلابی خودداری می‌کردند. ولی چندی بعد به انقلابیان ایران پیوستند. این فعالیتها منجر به نهضت مشروطیت گردید که پدیده تاریخی مهم و پیچیده‌ای بود. این حرکت اجتماعی، همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی و مذهبی به وجود آمد، که طبقات اجتماعی مختلف با افق اجتماعی گوناگون در آن شرکت کرده، و پایه ایدئولوژی‌اش را دموکراسی سیاسی می‌ساختند. در تشکیل این حرکت تاریخی دو عامل اساسی را می‌توان نام برد: یکی، ورشکستگی و وادگی نظام سیاسی، و دیگری بحران مالی.

ورشکستگی نظام حکمرانی آمیخته با بحران مالی، به ایدئولوژی مشروطه‌خواهی نیروی تازه‌ای بخشید، نیرویی که حرکت اجتماعی را محق گردانید. از عوامل اساسی مادی و فکری به کنار، تأثیر عاطفی برخی حوادث تاریخی همزمان را نباید در برانگیختن احساسات عمومی نادیده گرفت. از آن جمله، شکست روس از ژاپن، و انقلاب ۱۹۰۵ روس که به دنبال آن پدید آمد. در نوشته‌های رسمی به نفوذ این دو حادثه در روان‌شناسی اجتماعی ایرانیان تأکید زیادی شده است. بویژه با پیروزی ژاپن، از حرکت اروپاییان نزد ایرانیان کاسته شد و ایرانیان متوجه شدند که دولت روسیه را می‌توان شکست داد.

شایان ذکر است که در سال ۱۹۰۶ - ۱۹۱۱ حرکت‌های انقلابی در شمال ایران و در مجاورت روسیه (آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان) گسترش یافت که بعدها به جنوب ایران

نیز کشیده شد. حرکت روستاییان شکل‌های متفاوتی داشت، گسترده‌ترین شکل آن، خودداری کردن مردم از پرداخت مالیات و پرداخت سهم محصول به اربابان و عدم اجرای وظایف مختلف و عدم اطاعت از حکومتهای شاهی بود. حمله دهقانان به اmlاک خانهای اربابی زیادتر شد، دهقانان ذخیره غذایی خان را گرفتند و آنها را میان فقرا تقسیم کردند.

در گزارش دیپلمات‌های روسی از ایران، در طول یک سال انقلاب ایران می‌توان بسیاری از اخبار را در حرکات دهقانی یافت.

شهرهای ایران در انقلاب (۱۹۰۵ - ۱۹۱۱) خیلی بیشتر از روستاها دچار تحولات و حرکت‌های انقلابی شده بود و اعتراض‌های کارگری شروع به شکل گرفتن نمود. اعتراض‌های پی در پی کارگری که در کارخانه‌های کوچک صنایع دستی کار می‌کردند (در آن زمان صنایع بزرگ وجود نداشت) و در شرایط بسیار سخت اقتصادی و سیاسی به سر می‌بردند، حضور فعال مردم تبریز برای تدوین و تنظیم قانون اساسی و بویژه اعتصاب‌های پاییز ۱۹۰۶، قیام مردم تبریز (۱۹۰۸ - ۱۹۰۹)، قیام رشت (۱۹۰۹) و... همه حاکی از رشد تفکر سیاسی و اجتماعی مردم ایران در آن برهه از تاریخ بود.

از بدو شروع انقلاب، دو طرز تفکر مشاهده می‌شد، یکی طرز تفکر گروه تندرو و سوسیالیست و دیگری گروه میانه‌روها بودند که بیشتر تحت تأثیر عقاید ملی و مذهبی قرار داشتند و در واقع این گروه، طبقه متوسط و روشنفکران جامعه بودند.

در ۱۹۰۵ حزب همت توسط عده‌ای از رهبران بلشویک محلی از جمله استالین، عزیز بیکف و زاپارادزه تشکیل شد. در اوایل، حزب همت تحت نفوذ بلشویک‌ها که در باکو قوی بودند، قرار داشت، ولی رهبری بلشویک‌ها چندان به طول نینجامید و گروه منشویک که نسبتاً میانه‌روتر بود، مسلط شدند. همت به مرور حزب بزرگی شد و دامنه فعالیت‌های آن گسترش یافته و از طریق حزب اجتماعیون عامیون به ایران نیز وارد شد.

اعضای این حزب را روشنفکران طبقه متوسط، اشراف و کارگران و بورژواها تشکیل می‌دادند. شایان ذکر است که این حزب و حزب همت تا مدت‌ها رابطه خود را با حزب ملیون مسلمان روسیه قطع نکرد. حزب اجتماعیون عامیون در بین ایرانیان ساکن باکو نقش بسیار مؤثری ایفا کرد و در شهرهای پتروفسک، قارص، باکو، تفلیس و ایروان شعبه داشت.

در تبریز نیز آزادیخواهان حزبی به نام مجاهد که دارای کمیته سزّی و کوچکتری به نام «مرکز

غیبی» بود، تشکیل دادند. عنوان شده است که برنامه آن، برگردانی از برنامه اجتماعیون قفقاز بود و در گیلان نیز مردم با اجتماعیون عامیون ارتباط داشتند.

حیدرخان عمواوغلی در سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۲۵ در مشهد فعالیت حزبی داشت و عنوان نموده‌اند که دستور تشکیل حزب و نحوه فعالیت را از روسیه گرفته است. ولی حیدرخان تنها یک عضو، آن هم ابراهیم میلانی را یافته و پس از رجب ۱۳۲۵ مشهد را به قصد تهران ترک کرده و فعالیت‌های خود را در تهران ادامه داد. اما ظاهراً ملک‌الشعرای بهار عده‌ای از روشنفکران را جمع کرد و کمیته‌ای را تشکیل داد و با شعار: عدالت - مساوات و آزادی، برنامه‌های حزبی مشهد را نوشت. البته برنامه حزبی مشهد از بسیاری جهات نسبت به برنامه حزبی باکو میانه‌روتر بوده و بدون شک، با در نظر گرفتن وضع خاص ایران، تهیه شده است.

ضمناً در تاریخ مشروطیت و سالهای ۱۹۰۶ - ۱۹۱۱، ملک‌زاده نام ۱۵ نفر از اعضای کمیته انقلاب را بیان نموده است که هدف از تشکیل این کمیته، تحکیم مشروطه و مجلس بود.

اعضای آن، ملک‌المستکلمین پدر ملک‌زاده، سیدجمال واعظ، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، سیدمحمدرضا مساوات، تقی‌زاده، حکیم‌الملک، سید برهان‌الدین خلخالی، سیدجلیل اردبیلی، سلمان‌خان میکده، حسن ملی‌خان نواب، میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، میرزا ابراهیم آقا، میرزا داود علی‌آبادی، ادیب‌السلطنه سمیعی، نصرت‌السلطان و معاضدالسلطنه بودند.

این کمیته اجرایی سری، بدون شک همان حوزه کوچکی است که حیدرخان عمواوغلی به آن اشاره کرده است.

در اوایل انقلاب مشروطه، مردم ایران به دو دسته تقسیم شدند: آنان که از انقلاب پشتیبانی می‌کردند و گروهی که مخالف بودند. موافقین نیز به دو دسته تقسیم می‌شدند: عده‌ای که خواهان سازش و میانه‌روی بودند و عده‌ای که خواهان یک انقلاب واقعی و تغییرات بنیادی بودند.

در سال ۱۹۰۷ در ایران اولین گروه‌های سوسیال‌دموکرات تشکیل شد. سازماندهی اجتماع مجاهدین، غیرقانونی بود. این سازمان بشدت تحت تأثیر جنبش انقلابی روسیه قرار داشت و از طریق سازمان «گومت»^۱ با بلشویک‌های ماورای قفقاز مرتبط بودند.

موقعیت تبریز در آن سالها بسیار حساس بود، سفیر روسیه در ایران به نام «گارتویگ» در

1. Ryuvet (gomet).

گزارش خود در پترزبورگ، موقعیت تبریز را در اواخر جولای ۱۹۰۷ این گونه تشریح نموده است: «در واقع اخیراً تمام قدرت در دست انجمن یومی قرار گرفته، بانفوذترین انجمن در ایران که در تهران شعبه دارد و تمام نمایندگان مجلس به صدای آن گوش فرامی دهند، به دنبال انجمن تبریز تشکیل شده است. فعالیتهای این انجمن در شمال و سپس در جنوب، تهران، رشت، مشهد، شیراز، اصفهان، کرمان، بندر بوشهر، بندرعباس، سیستان و غیره ادامه و استمرار پیدا می کند.»

فقط در تهران، حدود ۱۴۰ انجمن وجود داشت. در کنار انجمنهای شهری و منطقه‌ای که کار را در سطح شهر یا منطقه انجام می دادند، انجمنهایی از نوع کلوپهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی، پناهگاهها، انجمنهای مختلف و... در کشور به وجود آمده بودند و انجمنها وسیع ترین قشر گروههای مردمی را دربر داشتند. در حیرت (استان کرمان) به عنوان مثال، انجمنهای مهاجران و بردگان آزاد تشکیل شد. در تهران انجمن خدمتکاران کنسولخانه و سفارتخانه‌های خارجی وجود داشت، در لنگه (در سواحل خلیج فارس) انجمنهای سنی و شیعه و غیره تشکیل شدند. عناصر مرتجع، از این نوع سازمانها استفاده بردند و در برابر انجمنهای دموکراتیکی انقلابی، انجمنهای ارتجاعی نیز شروع به فعالیت نمودند و به همین ترتیب شاهزادگان قاجاریه، انجمن «قاجاریه» را تشکیل دادند. در بسیاری از شهرهای ایران، انجمنهایی از اربابان، تاجران بزرگ و صاحبان قدرت تشکیل شده و سازماندهی شدند که البته این انجمنها برای همکاری با قدرتهای شاهی و ضد انجمنهای انقلابی - دموکراتیکی وارد عمل شدند و در همین سالهای انقلاب ایران (۱۹۰۶ - ۱۹۱۱) مطبوعات گسترش و توسعه وسیعی پیدا کرد. در اولین سالهای انقلاب تا کودتای ضدانقلابی سال ۱۹۰۸ در ایران، بیش از ۱۵۰ روزنامه و مجله چاپ شد. پس از سرنگونی محمدشاه در سال ۱۹۰۹، در کشور بیش از صد روزنامه به چاپ رسید. روزنامه‌ها و مجلات نه تنها در تهران و دیگر شهرهای بزرگ استانها مانند تبریز، رشت، مشهد، اصفهان و شیراز، بلکه در بسیاری از کم اهمیت ترین شهرها مانند همدان، یزد، کرمان، اردبیل، خوی و غیره به چاپ رسیده و منتشر شدند. یکی از محبوبترین روزنامه‌ها، صور اسرافیل (شیپور اسرافیل) بود که تیراژ ۵۵۰۰ نسخه داشت. روزنامه تبریزی انجمن به تعداد پنج هزار نسخه چاپ شد. نشر مجلات و روزنامه‌های طنزگونه در سالهای انقلاب گسترش بسیار زیادی یافت. طرفداران هجوی و طنزی که به وقایع سیاسی روز پاسخ می دادند، روزبه روز بیشتر شدند. بویژه مقاله هجوی و

روزنامه‌های ایران، برضد اسارت زنها و استعمال تریاک و... اعتراض کرده و در این زمینه مقالاتی به چاپ می‌رساندند. از سال ۱۹۰۶، در شمال ایران به طور خیلی وسیع و حتی در تهران مجله فکاهی ملانصرالدین به زبان شیرین آذربایجانی در تفلیس انتشار یافت. این مجله حوادث ایران را به طرز بسیار جالبی ترسیم نموده و پاسخ می‌داد و طرفداران بسیار زیادی پیدا کرده بود.

مجموعاً مطبوعات ایرانی در زمان انقلاب مشروطیت نقش مهمی را در زندگی سیاسی - اجتماعی مردم ایران بازی کردند و در شکل‌گیری افکار اجتماعی و ارتقای سطح خرد سیاسی ملت ایران، تأثیر بسزایی داشتند. نشریه‌ها در واقع سلاح قوی مردم آزادیخواه در جنگ برضد امپریالیسم و استبداد بودند.

گلناز سمیدی

آذرماه ۱۳۷۹